

اعلموا اني فاطمة

طرح فاطمه بررسی

بررسی اتفاقات پیش آمده
برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
و مواضع ایشان بعد از شهادت
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

نویسنده:

سید محمدجواد طاهری موسوی

فصلنامه علمی پژوهشی
تخصصی مطالعات قرآنی و حدیثی
پیاپی ۱۳۸، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۵

فصلنامه علمی پژوهشی
تخصصی مطالعات قرآنی و حدیثی
پیاپی ۱۳۸، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۵

مبحث (۱) نور در آتش، قضاوت با شما!

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ (۱)

بررسی واقعه حمله و شهادت حضرت زهرا علیها السلام از منظر
اهل سنت و شیعه

از مهمترین مسائل اعتقادی شیعه که همسنگ و هم تراز واقعه بسیار مهم غدیر است و در امتداد آن قرار دارد، قضیه مصیبت‌های وارده به حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام و شهادت ایشان می‌باشد که متأسفانه و بخصوص در سال‌های اخیر مورد هجوم دشمنان و البته با کمک عوامل خود در بین شیعیان، قرار گرفته، همانند سال‌های اولیه بعد از وقوع آن که به شدت مورد سانسور خبری تاریخ‌نویسان صدر اسلام و همچنین تکذیب آن توسط بزرگان مخالفین قرار گرفته بود. چنان که سید مرتضی رحمته الله علیه در این زمینه می‌گوید: در آغاز کار، محدثان و تاریخ‌نویسان از نقل جسارت‌هایی که به ساحت دختر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وارد شده امتناع نمی‌کردند. این مطلب در میان آنان مشهور بود که مأمور خلیفه با فشار، درب را بر فاطمه علیها السلام زد و او فرزندی را که در رحم داشت سقط نمود و قنغذ به امر عمر، فاطمه زهرا علیها السلام را زیر تازیانه گرفت تا او دست از علی علیه السلام بردارد؛ ولی بعدها دیدند که نقل این مطالب با مقام و موقعیت خلفا سازگاری ندارد؛ لذا از نقل آنها خودداری نمودند (۲).

البته از آنجایی که خداوند ظاهر کننده و مدافع حق است، مطالب بسیار مهمی از قضیه شهادت و مظلومیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از قلم و زبان مخالفان صادر شده است که در ادامه، آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

علت هجومه اصل در ریشه تشیع

علت هجومه‌های فراوان علیه این واقعه جانگداز چیست؟

۱. سوره احزاب: آیه ۵۷.

۲. تلخیص الشافی سید مرتضی (شیخ طوسی): ج ۳، ص ۷۶.

اصل و ریشه تشیع از وجود ذی جود حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نشأت می‌گیرد. زیرا اصل و ریشه امامت الهی از ایشان است و این شخصیت با عظمت حلقه اتصال بین نبوت و امامت است. ایشان روح پیامبر است (وهی روحی التی بین جنبی) ^(۱). وی والاترین مدافع بزرگترین شخص خلقت بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام است ^(۲).

او مادر امامان و حجت‌های الهی بر روی زمین است. اوست که با انقلاب خود چهره نفاق را در پهنه تاریخ بر اهل حق روشن و آنان را رسوا ساخت تا خوبی‌ها از بدی‌ها تشخیص داده شود و چه دلیلی مهمتر از این و صدها دلیل دیگر برای انصار شیطان جهت دشمنی با این شخصیت والا و وقایع پیش آمده برای او؟!

آیا حمله‌ای صورت گرفته یا خیر؟

از مطالب فوق دانسته شد که دلیل دشمنی با قضیه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چیست. شبهه‌ای که در مرحله ابتدایی وارد می‌شود این است که اصولاً حمله‌ای به منزل حضرت زهرا علیها السلام صورت گرفته و یا خیر؟ ابتداءً باید گفته شود که آیا انگیزه‌ای برای حمله به درب خانه آل‌الله وجود داشته است؟ در جواب باید قضایای پیش آمده بعد از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بررسی کنیم تا معلوم شود که آیا انگیزه‌ای برای حمله وجود داشته است یا خیر؟ بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام و عده‌ای از بنی‌هاشم مشغول غسل و کفن حضرت شدند. در خلال تجهیز پیامبر، انصار در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و خواستند که با سعد بن عباده به عنوان خلیفه بیعت کنند. زمانی که خبر به ابوبکر و عمر رسید با سرعت خود را به سقیفه بنی ساعده رسانده و بعد از گفتگوهای بسیاری که بین مهاجرین و انصار صورت گرفت، عمر و ابو عبیده جراح با سخنان خود مردم را به بیعت با ابوبکر ترغیب کردند و با شعار (فحن الأما و انتم الوزراء) ^(۳) خطاب به انصار، خلافت را از آن خود کردند ^(۴). در

۱. فاطمه روح در کالبد من است. امالی صدوق: ص ۱۷۵ و الفضائل (شاذان بن جبرئیل): ص ۹.

۲. اشاره به روایت شریف (علی خیر البشر فمن ابی فقد کفر، علی بهترین شخص بشر است هرکه مخالفت کند کافر است). مناقب ابن مردویه اصفهانی: ص ۱۰۹ و تاریخ مدینه دمشق: ج ۴۲، ص ۳۷۲. (منابع اهل سنت).

۳. ما امیر باشیم و شما وزیر.

۴. الامامة و السياسة (ابن قتیبه): ج ۱، ص ۴ به بعد.

بعضی از منابع آمده که ابوبکر، عمر و ابو عبیده جراح و بقیه گردانندگان بعد از پایان جلسه سقیفه، در خیابان با لباس فاخر راه می‌رفتند و به اجبار و زور از مردم بیعت می‌گرفتند^(۱).

بعد از قضیه سقیفه و بیعت مردم و خانه نشینی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، برای گردانندگان سقیفه بسیار سخت و گران بود که ببینند مدعیان اصلی و واقعی خلافت هنوز به بیعت خلیفه در نیامده و با اینان موافق نیستند لذا تصمیم بزرگی گرفتند و آن، گرفتن بیعت به زور بود.

حمله به خانه وحی

طبق شواهد تاریخی، حمله به درب خانه وحی یک بار واقع نشده، بلکه طبق گفته ابن قتیبه دینوری و مورخان دیگر، تعداد حملات سه مرتبه بوده است.

وی می‌نویسد: ابوبکر شنید که متخلفین از بیعت در خانه علی علیه السلام جمع شده‌اند، لذا عمر را برای گرفتن بیعت به درب خانه فرستاد که با زور، عده‌ای از ساکنین در خانه را به غیر علی علیه السلام و بنی هاشم مجبور به بیعت کرد. در اینجا فاطمه علیها السلام فرمود: مردمی بدرفتار تر از شما نمی‌شناسم. پیکر رسول خدا صلی الله علیه و آله را در برابر ما رها کرده و کارتان (خلافت) را بین خودتان بریدید. عمر نزد ابوبکر بازگشت و فریاد زد: از کسی که از تو سرپیچی کرده بیعت نمی‌گیری؟ این بار ابوبکر، قنغذ را فرستاد تا از علی علیه السلام از بیعت بگیرد، قنغذ نیز دوبار به خانه علی علیه السلام رفته و امام علیه السلام از بیعت استنکاف کرده. در آخر، عمر همراه عده‌ای به درب خانه آمده و خواستار بیعت علی علیه السلام شد. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در این هنگام فرمود: ای پدر! ای رسول خدا نمی‌دانی که بعد از تو از فرزند خطاب (عمر) و پسر ابوقحافه (ابوبکر) چه‌ها کشیدیم! عده‌ای با شنیدن فریاد ایشان به گریه افتاده و پراکنده شدند اما عمر و عده‌ای، علی علیه السلام را بیرون کشیده و به نزد ابوبکر بردند.

ابن قتیبه در جایی دیگر می‌گوید: علی تا وفات فاطمه بیعت نکرد^(۲). ابن عبد ربه از دیگر علمای بزرگ اهل سنت در کتاب العقد الفرید می‌نویسد: عمر آتشی روشن کرد که خانه را آتش بزند. فاطمه به پشت درب آمد و فرمود: ای پسر خطاب! آیا

۱. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. الامامة والسياسة (ابن قتیبه): ج ۱، ص ۱۲ - ۲۰.

آمدهای که خانه ما را آتش بزنی؟ گفت: آری. مگر آنکه وارد بشوید به آنچه امت داخل شدند^(۱). لازم به ذکر است همانطور که بیان شد، مطالب فوق، روایات علمای اهل سنت از واقعه حمله است، لیکن بر اساس روایات شیعه در این حمله، امیرالمؤمنین علیه السلام و بعضی از اصحاب با حمله کنندگان درگیر شدند. سلیم بن قیس می گوید: علی علیه السلام ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید و خواست او را بکشد ولی سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و وصیتی را که به او کرده بود به یاد آورد و فرمود: ای پسر صهاک، قسم به آنکه محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث کرد، اگر نبود که از طرف خداوند گذشته و عهدی که پیامبر صلی الله علیه و آله با من نموده است، می دانستی که تو نمی توانی به خانه من داخل شوی^(۲).

از دلایل دیگری که دلالت بر حمله به درب خانه اهل بیت علیهم السلام می کند، گفتار ابوبکر است که در اواخر عمر می گوید: ای کاش به درب خانه فاطمه حمله نمی کردم حتی اگر دستور جنگ به من می داد^(۳). به دلایل فوق و با استناد به منابع بزرگان اهل سنت، معلوم می شود که قضیه حمله به درب خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به طور حتم به وقوع پیوسته است.

شهادت یا رحلت؟

ما شیعیان بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، اعتقاد داریم که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در حمله آخر، زخمی، فرزندشان سقط و بر اثر صدمات وارده، پس از مدتی به شهادت رسیده اند. از جمله این روایات عبارتند از:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله را گریان دید از ایشان پرسید به چه علت گریه می کنید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گریه می کنم از ضربتی که به فرق تو می رسد و سیلی که به صورت فاطمه می خورد...^(۴)

۲. امام کاظم علیه السلام فرمود: بدرستی که فاطمه صدیقه شهیده

۱. العقد الفرید: ج ۴، ص ۲۴۸.

۲. کتاب سلیم ابن قیس: ص ۱۵۰.

۳. السقیفه والفدک (جوهری): ص ۷۵، تاریخ طبری: ج ۲، ص ۶۱۹، تاریخ مدینه دمشق: ج ۲۰، ص ۴۲۰ و لسان المیزان: ج ۴، ص ۱۸۹.

۴. امالی صدوق: ص ۱۹۷ و مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۵۲.

است (۱).

۳. روایتی طولانی از امام صادق علیه السلام که در قسمتی از آن می‌فرماید: هیچ روزی برای ما به کربلا نمی‌رسد هرچند که روز سقیفه و آتش زدن به درب خانه امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و زینب و ام‌کلثوم علیهم السلام و فضه و قتل محسن به واسطه ضربه به سینه، بزرگتر و تلخ‌تر است (۲).

۴. در روایتی طولانی از زبان خود صدیقه طاهره علیها السلام، حمله به منزل و سیلی به صورت تا آنجایی که گوشواره از گوش ایشان کنده شد و سقط جنین، بیان شده است (۳).

۵. روایتی طولانی که سعید بن مسیب نقل کرده و در آن به نامه خلیفه دوم به معاویه اشاره می‌کند. در این نامه عمر، قضیه حمله به منزل حضرت زهرا علیها السلام را بیان می‌کند که در بحار الأنوار موجود است (۴).

اینجانب با عنایت حضرت زهرا علیها السلام و با تفحص فراوان منبع اصلی این روایت را یافتم. این روایت در کتاب (قد فعلت فلا تلم) تألیف ابوالجیش محمد بن مظفر بلخی از علمای بزرگ قرن چهارم هجری و استاد حدیث شیخ مفید، موجود است.

۶. روایت ابن عباس از امیرالمؤمنین علیه السلام که در آن چگونگی شهادت حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام ذکر شده است (۵).

در بعضی منابع اهل سنت هم علی‌رغم بایکوت شدیدی خبری، این واقعه تلخ توسط مورخین، به قتل حضرت محسن علیه السلام اشاره شده است. ابن ابی‌الحدید از دانشمندان معتزلی اهل سنت در شرح نهج البلاغه روایتی را نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه ریختن خون (هبار بن مسعود) را مباح فرمود، چون او زینب دختر خوانده پیامبر صلی الله علیه و آله را که باردار بود با نیزه به وحشت انداخت به طوری که باعث سقط فرزندش شد. سپس ابن ابی‌الحدید می‌گوید: این روایت را بر استادم ابوجعفر نقیب خواندم. او گفت: اگر پیامبر صلی الله علیه و آله به جرم ترسانیدن و سقط جنین زینب، خون هبار را مباح فرموده، بدیهی است که اگر آن حضرت زنده بود، خون کسی که فاطمه علیها السلام را به وحشت انداخت

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۵۸.

۲. الهدایه الکبری: ص ۴۱۷.

۳. همان: ص ۱۷۹.

۴. بحار الأنوار: ج ۳۰، ص ۲۸۷.

۵. کتاب سلیم: ص ۴۳۴.

تا اینکه فرزند داخل شکمش را سقط کرد مباح می‌دانست^(۱). این مطلب نشانگر آن است که در آن زمان قضیه حمله و سقط جنین و صدمه دیدن حضرت زهرا علیها السلام از قضایایی بوده که در نزد فریقین مورد قبول بوده است. باید گفت قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و مظلومیت‌های ایشان مورد اتفاق تمامی علمای شیعه از جمله شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید بن طاووس، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، فاضل مقداد، محقق کرکی، شیخ حر عاملی و بزرگان دیگر از علمای امامیه می‌باشد.

عدم رضایت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام از خلفا

طبق روایات نقل شده از کتب بزرگان اهل سنت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از خلفا رضایت نداشتند. مستند این مطلب عبارت است از: (فوجدت فاطمه علی ابی بکر؛ فاطمه از ابوبکر خشمگین شد)^(۲). (فوجدت فاطمه علی ابی بکر فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت؛ فاطمه از ابوبکر خشمگین شد و او را رها کرد و با او صحبت نکرد تا از دنیا رفت)^(۳). ابن ابی الحدید می‌گوید: صحیح نزد من آن است که فاطمه از ابوبکر و عمر خشمگین بود^(۴). با توجه به روایت (فاطمه بضعة منی من آذاها فقد آذانی)^(۵) آیا کسانی که فاطمه علیها السلام را اذیت کردند و به او ظلم نمودند، مصادیق اذیت کنندگان به رسول خدا صلی الله علیه و آله نیستند؟ قضاوت با شما! ما با نگارش این مطالب در صدد ایجاد تفرقه و اختلاف میان صفوف مسلمانان نیستیم، بلکه هدف، شناخت واقعیات است. در هر صورت یک مسلمان باید بداند که به چه چیزی اعتقاد دارد و مستند اعتقاد او چیست. همانطور که خواندید بیشتر مطالب از منابع برادران اهل سنت اخذ شده و از آن طرف اعتقاد یک شیعه درباره قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را با پیروی از علمای بزرگ شیعه و البته بسیار مختصر بیان کردیم.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۴، ص ۱۹۳.

۲. مسند احمد: ج ۱، ص ۹.

۳. صحیح بخاری: ج ۵، ص ۸۲، سنن الکبری (بیهقی): ج ۶، ص ۳۰۰، عمدة القاری: ج ۱۷، ص ۲۵۸، صحیح ابن حبان: ج ۱۱، ص ۱۵۳ و تاریخ المدینة: ج ۱، ص ۱۹۶.

۴. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید): ج ۶، ص ۵۰.

۵. صحیح بخاری: ج ۴، ص ۲۱۰، صحیح مسلم: ج ۷، ص ۱۴۱، سنن الترمذی: ج ۵، ص ۳۶۰ و فضائل الصحابه (نسائی): ص ۷۸.

بررسی شبهات ایام فاطمیه

از جمله شبهات وارده به قضایای مربوط به حمله به درب خانه امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام، این است که آیا ممکن است با وجود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، تنها فاتح خیبر و شیر خدا و رسولش، همسر مکرمه شان اینگونه مورد جسارت قرار بگیرند تا جایی که به شهادت ایشان منجر شود؟! از این شبهه، شبهات دیگر هم متولد می شود که ما در این مقام به بعضی از آنها جواب می دهیم. این مسأله هم مانند بسیاری شبهات دیگر، از روایات موجود در منابع فریقین (شیعه و سنی) جواب کافی دارد.

شبهه اول: چرا با وجود مردی مانند امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر اصحاب، حضرت زهرا علیها السلام به درب خانه رفتند؟

جواب: در توضیح این شبهه می گوئیم این اتفاق بارها در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاده بود که ایشان با وجودی که در منزل بودند به همسران خود دستور می دادند که درب خانه را باز کنند، مانند روایات ذیل: ابن عساکر دمشقی و سایرین روایت می کنند که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به منزل ام سلمه رفتند و پس از مدتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام درب خانه را کوبیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ام سلمه فرمود: بلند شو و درب خانه را باز کن الی آخر روایت ^(۱).

روایتی دیگر:

در حدیث معروف مرغ بریان (الطیر المشوی) به روایت طبرسی در احتجاج، امیرالمؤمنین علیه السلام به درب خانه آمدند و در را کوبیدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عایشه دستور دادند که درب را باز کند ^(۲). پس، اینکه حضرت زهرا علیها السلام به درب خانه آمدند، عملی مرسوم بوده است.

شبهه دوم: قبول کردیم که آمدن حضرت به عنوان یک زن،

۱. تاریخ مدینه دمشق: ج ۴۲، ص ۴۷۱ و التدوین فی اخبار قزوین: ج ۱، ص ۸۹.

۲. الاحتجاج (طبرسی): ج ۱، ص ۲۹۳.

به درب خانه مرسوم بوده، اما باز این سؤال پیش می‌آید که با وجود آنکه عده زیادی از مردم به درب خانه آمده بودند و با آتش و هیزم می‌خواستند افراد در خانه را مجبور به بیعت کنند، بهتر بود که خود امیرالمؤمنین علیه السلام و یا حداقل یکی از مردان به درب خانه می‌رفت!

جواب: می‌گوییم با توجه به اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله به تازگی از دنیا رفته بودند و ایشان عزادار پدرگرامیشان بودند، احتمال می‌دادند که اگر خود به درب خانه بروند، با رفتن ایشان و شنیدن حتی صدای او، ممکن است مردم حیاء کنند و برگردند و قضیه تمام شود لیکن دریغ از ذره‌ای حیاء و قطره‌ای عرق شرم! معلوم شد که این قصه سر دراز دارد و این جامعه، در اندک زمانی کوتاه آن چنان به قهقراء رفته تا جایی که قصد کرده‌اند که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را در آتش دنیاطلبی خود بسوزانند، آنجایی که حضرت صدیقه علیها السلام فرمود: آیا آمده‌ای که منزل ما را بسوزانی و جواب شنید که بخدا قسم بر شما آتش خواهم افکند^(۱).

شبهه سوم: چرا امیرالمؤمنین علیه السلام از حق خود دفاع نکرد؟ باید گفت این شبهه ریشه در عدم آگاهی عموم مردم از اتفاقات روی داده در تاریخ، بالأخص تاریخ صدر اسلام، به علت عدم مطالعه است و بنده در اینجا عاجزانه از مؤمنین در خواست می‌کنم که با کتاب و مخصوصاً کتب دینی و اعتقادی انس بیشتری بگیرند تا دشمنان نتوانند از عدم آگاهی و علم مردم سوء استفاده کنند.

جواب: در اینجا روایتی نقل می‌کنیم تا با بیان آن، این شبهه رفع شود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی! قریش بر علیه تو پیاپی می‌خیزند و برای ظلم به تو هماهنگ می‌شوند. پس اگر یاورانی یافتی با قریش به جنگ و اگر یاورانی برای این هدف نیافتی دست از جهاد بردار و خود را حفظ کن^(۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام در جایی دیگر فرمود: اگر ۴۰ مرد مصمم

۱. العقد الفرید: ج ۴ ص ۲۴۷ و تاریخ ابو الفداء: ج ۱، ص ۱۰۷.

۲. الغیبة (شیخ طوسی): ص ۱۹۳.

می یافتم بیا می خواستم^(۱). سلمان می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام، نیمه شب‌ها، حضرت زهرا علیها السلام را سوار بر مرکب می کردند و دستان حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را می گرفتند و به درب خانه قریش و انصار می رفتند و از آنان برای قیام علیه غاصبان دعوت می کردند. وقتی که صبح می شد جز ۴ نفر کسی نمی آمد. من، مقداد، ابوذر و زبیر^(۲). با توجه به روایات فوق و اینکه بر اساس شواهد تاریخی، حمله به درب خانه، بعد از این قضایا (یعنی کمک خواهی امیرالمؤمنین علیه السلام) بوده و همچنین دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علیه السلام که اگر یاری نیافتی سکوت کن، فلسفه سکوت امام علیه السلام مشخص می شود.

شبهه چهارم: جمله حضرت زهرا علیها السلام خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: (یا بن ابی طالب، اشتملت شملة الجنین، وقعدت حجرة الظنین، ای پسر ابوطالب! مانند بچه‌ای در شکم مادر، دست و پای خود را در خود جمع کرده‌ای؟! و مانند شخص متهم در گوشه غرفه نشسته‌ای!)^(۳) حالت عتاب و شکایت از ایشان دارد.

جواب: این شبهه از آنجا بیان شد که مربوط به بحث سکوت امیرالمؤمنین علیه السلام بود. در جواب گفته می شود اگر شخصی صفات شخص معصوم را بداند، هیچ زمان این شبهه در ذهن او خطور نمی کند. تمام افعال و اقوال معصوم چون خدایی است، و به طور حتم مورد رضایت خداست، حجت است و هیچ اشتباهی در آن راه ندارد و لذا اگر همه معصومین در یکجا جمع شوند به اندازه سر سوزنی باهم اختلاف پیدا نمی کنند. پس فرمایش حضرت زهرا علیها السلام از روی نارضایتی به شیوه امام علیه السلام نبوده که ایشان همانطور که گفته شد دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را اطاعت کردند، بلکه ایشان در صدد بیان موقعیت امام علیه السلام در بین مردم مدینه بود تا هم از طرفی، درد دلی باشد و از طرفی دیگر، موقعیت مظلومانه

۱. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج ۲، ص ۲۲.

۲. کتاب سلیم بن قیس: ص ۱۴۶.

۳. الاحتجاج (طبرسی): ج ۱، ص ۱۴۵.

اعلموا اني فاطمة

امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به آیندگان نشان دهند.

شبهه پنجم: چرا امام (علیه السلام) در برابر عمل خلیفه دوم در صدمه زدن و جسارت به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) عکس‌العملی نشان ندادند؟

جواب: در جواب می‌گوییم، این شبهه نیز رد می‌شود و اصلاً این طور نبوده است، دلیل ما روایت ذیل است: عمر آتش را طلبید و درب خانه را سوزاند و سپس درب خانه را با فشار باز کرد و حضرت زهرا (علیها السلام) پشت در قرار گرفت و... فریاد زد: یا ابتاه یا رسول الله! عمر شمشیر را در حالی که در غلافش بود بلند کرد و به پهلوئی حضرت زد. آن حضرت ناله کرد و فرمود: یا ابتاه! ای پدر. عمر تازیانه را بلند کرد و به پهلو و بازوی حضرت زد. حضرت زهرا (علیها السلام) فریاد زد: یا رسول الله ببین ابوبکر و عمر با بازماندگان چه بدرفتاری کردند. ناگهان علی (علیه السلام) از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید و خواست که او را بکشد ولی سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و وصیت‌های ایشان را به یاد آورد و فرمود: ای پسر صهاک! قسم به آنکه محمد (صلی الله علیه و آله) را به پیامبری برگزید اگر نبود مقدری که از طرف خدا گذشته و عهده‌ی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با من نموده است می‌دانستی که تو نمی‌توانی به خانه من وارد شوی. عمر کمک خواست. مردم آمدند تا داخل خانه شدند و امیرالمؤمنین (علیه السلام) به سراغ شمشیرش رفت. تا آنجا که روایت می‌نویسد: مردم بر سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) ریختند. عده‌ای شمشیر به دست گرفتند و بر آن حضرت حمله‌ور شدند و او را گرفتند و برگردن ایشان طنابی انداختند^(۱). با توجه به این روایت، آنگونه که در ذهن کسانی که این شبهه را داشتند، نیست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) گوشه‌ای ایستاده و شاهد ماجرای جسارت به حضرت زهرا (علیها السلام) بوده باشد. بلکه امام (علیه السلام) به دفاع از ایشان آمدند لیکن دریغ از امت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که بر سر او ریختند و او را خلع سلاح کردند. چه بد مردمی که با امام خود و تنها یادگار

۱. کتاب سلیم بن قیس: ص ۱۵۰.

رسول خدا ﷺ چه رفتار شیطان پسندی کردند.

جمع بندی مطالب:

- ۱ - رفتن به درب خانه توسط حضرت زهرا علیها السلام، امری طبیعی بوده و بارها اتفاق افتاده است.
- ۲ - امام علیه السلام بعد از آنکه خود را تنها و بی یاور دید به وصیت رسول خدا ﷺ عمل کردند و سکوت کردند.
- ۳ - هدف از اینکه حضرت زهرا علیها السلام به درب خانه رفتند آن است که تصور می کردند مردم حرمت ایشان را نگاه می دارند.
- ۴ - جمله حضرت زهرا علیها السلام خطاب به امام علیه السلام درد دل بود و نه سرزنش.
- ۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام در قضیه جسارت خلیفه دوم به ساحت حضرت زهرا علیها السلام عکس العمل تند و عملی نشان دادند. و در آخر می گوییم: عمل امام علیه السلام بر همه مردم حجت است و ایشان به دستور خداوند متعال عمل کردند. خود ایشان هم در کلام خود به این نکته اشاره دارند که سکوت من به دستور خدا و رسولش بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِأَمْرِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ
وَعَزَّةِ اللَّهِ وَتَعَالَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِأَمْرِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ
وَعَزَّةِ اللَّهِ وَتَعَالَى

﴿اعْلَمُوا انی فاطمةُ وَاَبی مُحَمَّدٌ﴾ (۱)

شخصیت رسول اکرم ﷺ

در کلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

بی شک هنگامی که بخواهیم ابعاد وجودی یک شخصیت بزرگ را بشناسیم، بهترین روش، بررسی شخصیت ایشان از نگاه بزرگان و بالأخص بزرگانی است که رابطه نزدیک با وی داشته‌اند.

حال اگر بخواهیم شخصیت بزرگترین و باعظمت‌ترین شخص خلقت یعنی حضرت رسول اکرم ﷺ را بشناسیم باید به سراغ نزدیک‌ترین و البته محبوب‌ترین شخص در نزد ایشان یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برویم.

با نگاهی به خطبه سراسر نور حضرت فاطمه علیها السلام در مسجد النبی صلی الله علیه و آله معروف به خطبه فدکیه، به این نکته مهم می‌رسیم که ایشان در کلامی هرچند کوتاه بالاترین مراتب معرفتی را بیان داشته‌اند.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در این خطبه، موقعیت پیامبر صلی الله علیه و آله و جامعه زمان ایشان را به سه دوره قبل از خلقت تا بعثت، از ظهور اسلام و بعثت تا رحلت و بعد از رحلت تقسیم کرده‌اند.

خلقت پیامبر صلی الله علیه و آله

ایشان در ابتدای بیان خطبه و بعد از حمد الهی، در مقام معرفی پدر بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: شهادت می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست که قبل از رسیدن به مقام نبوت او را انتخاب کرد و قبل از برگزیدن، نام پیامبری بر او نهاد و قبل از مبعوث شدن، او را برانگیخت، آن هنگامی که مخلوقات در حجاب غیبت بوده و در نهایت تاریکی به سر برده و در سرحد عدم و نیستی قرار داشتند.

در این قسمت از خطبه، حضرت، پیامبر صلی الله علیه و آله را پدر خود معرفی می‌کند که البته در ادامه خطبه هم این نکته را بارها بیان می‌کنند که با یادآوری آن، به مردم می‌فهمانند، آن کسی که در

۱. خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

حال ظلم به او هستيد، دختر پيغمبر شماست. همچنين عظمت وجودی پيامبر ﷺ و موقعيت ايشان در نزد پروردگار عالم را ياد آور می‌شوند و خلقت رسول خدا ﷺ را قبل از هر خلقتی می‌دانند. اين كلام ايشان، ناظر به حديث پيامبر اسلام ﷺ است که فرمود: «كنت نبياً وآدم بين الماء والطين؛ من پيامبر بودم در حالی که آدم بين آب و گل بود»^(۱) و يا «قلت يا رسول الله متى كنت نبياً قال إذ آدم بين الروح والجسد؛ از رسول خدا سؤال کردم از چه زمانی پيامبر بودی؟ فرمود از زمانی که آدم بين خلقت جسد و دميدن روح (توسط خدا) بود»^(۲).

بعد از بعثت تا رحلت پيامبر ﷺ

حضرت صديقه طاهره عليها السلام در ادامه، به بيان موقعيت جامعه زمان بعثت می‌پردازد و می‌فرماید: خداوند او را بر انگيخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید و آن حضرت امت‌ها را دید که در آئين‌های مختلفی قرار داشته و در پيشگاه آتش‌های افروخته معتكف شده و بت‌های تراشیده شده را پرستیده و خداوندی که شناخت آن در فطر تشان قرار دارد را منکرند. در اين قسمت از خطبه، حضرت، شرايط اجتماعی جوامع بشری را تبیین می‌کنند. کلمه امت‌ها (فرأى الامم)^(۳) نشان دهنده اين نکته است که در زمان بعثت، هيچ قومی يکتا پرست نبودند و اين بيان حضرت، نقض کننده نظريه عده‌ای از نظريه پردازان اجتماعی و تاريخ نگاران است که از روی تعصب قومیتی، قائلند به اينکه بعضی از اقوام (از جمله ايران) در زمان جاهليت موحد بودند. نشانه جاهليت اقوام مختلف را می‌توان در عمل پيامبر ﷺ دید که ايشان بعد از استقرار و استحکام اسلام در مکه و مدینه، به پادشاهان حکومت‌های بزرگ آن زمان مانند پادشاه ساسانیان، امپراطور روم و پادشاهان مصر و حبشه نامه نوشتند و آنان را به اسلام دعوت کردند. يعنی بايد گفت که تمام اقوام و ملل در جاهليت

۱. مناقب آل ابی طالب: ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. الطبقات الكبرى (ابن سعد): ج ۱، ص ۱۴۸ و تهذيب الكمال: ج ۱۴، ص ۳۶۰.

۳. فرأى الأمم فرقا فى أديانها، عكفا على نيرانها، عابدة لأوثانها، منكرة لله مع عرفانها.

اعلموا اني فاطمة

بودند و فقط در شکل آن، باهم متفاوت بودند.

حضرت فاطمه زهرا عليها السلام در ادامه و بعد از بیان این مطالب می‌فرماید: در این هنگام خداوند پدرم پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله را مبعوث کرد و تاریکی‌های جوامع را روشن و مشکلات قلب‌ها را برطرف و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت و با هدایت در میان مردم، آنان را از گمراهی رهانید و چشمان آنان را بینا کرده و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون کرده و به راه راست دعوت نمود. ایشان در این قسمت از خطبه، وضعیت دینی زمان جاهلیت را به مردم یاد آوری می‌کنند تا بلکه ضمیر به خواب رفته ایشان را بیدار کند.

بعد از رحلت رسول خدا صلى الله عليه وآله

حضرت در قسمتی دیگر از خطبه می‌فرماید: آیا می‌گویید پیامبر بدرود حیات گفت؟! بله این مصیبتی است بزرگ و بی‌نهایت؛ وسعت شکاف آن بسیار و درز دوخته آن شکافته و زمین در غیاب او سراسر تاریک شد و ستارگان بی‌فروغ و آرزوها ناامید گردید.

حضرت با این کلام قصد دارد به مردم بفهماند که با رفتن ایشان نه فقط به ما اهل‌بیت، بلکه به تمام بشریت ظلم شد و آرزوهای بشر برای روشن نگاه داشتن زمین به نور الهی بر باد رفت، زیرا قرار بود بعد از رسول خدا صلى الله عليه وآله، امیرالمؤمنین عليه السلام کامل کننده اهداف والا و الهی پیامبر صلى الله عليه وآله باشد، اما نشد و لذا حضرت صدیقه عليها السلام اشاره می‌کنند که زمین بعد از غیبت رسول خدا صلى الله عليه وآله، تاریک شد. ایشان در قسمت دیگری از خطبه به مردم یاد آوری می‌کند که من دختر پیامبر شما هستم و می‌فرماید: «بدانید که من فاطمه‌ام و پدرم محمد است». هدف از بیان این کلام توسط وجود مقدس ایشان، آن است که به مردم بفهماند من دختر آن کسی هستم که شما عزادارش هستید و لذا می‌فرماید: بدانید او پدر من است و پدر زنان شما نیست و برادر پسر عموی من (یعنی امیرالمؤمنین) است و برادر مردان شما نیست.

شیوه رفتار پیامبر صلى الله عليه وآله با مشرکان

حضرت فاطمه زهرا عليها السلام در ادامه، شیوه برخورد رسول خدا صلى الله عليه وآله با مشرکان را تبیین می‌فرمایند: آری او آمد و رسالت

خویش را به خوبی انجام داد و مردم را به روشنی انداز کرد، از طریقه مشرکان روی بر تافت و بر گردن هایشان کوبید و گلویشان را فشرد، تا از شرک دست بردارند و در راه توحید گام بگذارند. او همواره با دلیل و برهان و اندرز سودمند مردم را به راه خدا دعوت می کرد. بت ها را درهم شکست، و مغزهای متکبران را می کوبید، تا جمع آنان متلاشی شد و تاریکی ها بر طرف گشت، صبح فرا رسید و حق آشکار شد، نماینده دین به سخن در آمد و زمزمه های شیاطین خاموش گشت، افسار نفاق بر زمین فرو افتاد، گره های کفر و اختلاف گشوده شد و شما زبان به کلمه اخلاص «لا اله الا الله» گشودید، در حالی که گروهی اندک و تهی دستی بیش نبودید! آری شما در آن روز بر لب پر تگاه آتش دوزخ قرار داشتید و از کمی نفرات، همچون جرعه ای برای شخص تشنه و یا لقمه ای برای گرسنه، و یا شعله آتشی برای کسی که شتابان به دنبال آتشی می رود، بودید و زیر دست و پاها له می شدید! در آن ایام آب نوشیدنی شما متعفن و گندیده بود، و خوراکتان برگ درختان! دلیل و خوار بودید و پیوسته از این می ترسیدید که دشمنان زورمند شما را بربایند و ببلند! اما خداوند تبارک و تعالی شما را به برکت محمد ﷺ، بعد از آن همه ذلت و خواری و ناتوانی نجات بخشید.

این قسمت از خطبه اشاره به آیات شریفه ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ ما تو را که سزاوار هستی، به رسالت فرستادیم، تا مرده دهی و بیم دهی﴾^(۱) است که پیامبر اسلام ﷺ هم بشارت دهنده بودند و هم بیم دهنده. و همچنین اشاره به آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاعْلُظْ عَلَيْهِمْ؛ ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر﴾^(۲) که رسول خدا ﷺ با کافرانی که بر علیه ایشان شمشیر کشیدند، مبارزه کردند.

همچنین آیه شریفه ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ؛ هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج

۱. سوره بقره: آیه ۱۱۹.

۲. سوره تحریم: آیه ۹.

اعلموا اني فاطمة

می دهد بر او گران آید. سخت به شما دل بسته است و با مؤمنان رؤوف و مهربان است ﴿^(۱) که البته ایشان در ابتدای قسمت دوم خطبه، این آیه را قرائت فرمودند. اینجاست که بر ما ثابت می شود که کلام قرآن و کلام اهل بیت علیهم السلام در کنار هم است و این معنای حدیث ثقلین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»^(۲). با توجه به بیانات حضرت صدیقه طاهره علیها السلام به این نکته پی می بریم که در واقع اولاً وجود ایشان همان وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است و همانطور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مایه رحمت برای مردم و درهم شکننده جمع محاربان با خدا بودند، وجود شریف ایشان هر چند با زبان، این شأن و خصوصیت را دارا بودند.

همچنین همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را از ظلمات به نور رهنمون کردند، وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام نیز با روشننگری های خود، راه صحیح و مستقیم را به مردم - که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به کمترین زمان، فراموش کرده بودند - نشان دادند و نگذاشتند چراغ هدایت بشری که همان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است، خاموش شود و اگر مجاهدت های صدیقه اطهر علیها السلام نبود به طور حتم، مردم، مسیر جاهلیت اولی را در پیش می گرفتند و تمام زحمات رسول خدا صلی الله علیه و آله به هدر می رفت. لذا ایشان با معرفی دوباره پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین یادآوری پیشینه مسلمانان قبل از ظهور اسلام و معرفی خط نفاق، دین اسلام را حفظ کردند. ممکن است در اذهان خطور کند که مردم به راه راست برگشتند؟!

در جواب می گوئیم اگر هم اکنون از مأذنه های تمام مساجد دنیا صدای اذان شنیده می شود و اگر هم اکنون تشیع به عنوان تنها منادی حق و مبارزه با ظلم در جهان وجود دارد، همگی از اثرات انقلاب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد.

۱. سوره توبه: آیه ۱۲۸.

۲. اشاره به حدیث متواتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله واهل بیتی وانهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض؛ من دو چیز گران بها را در نزد شما می گذارم کتاب خدا و اهل بیتم، این دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر در نزد من حاضر شوند». مسند احمد: ج ۳، ص ۱۴؛ مستدرک (حاکم): ج ۳، ص ۱۴۸ و مسند ابی یعلی: ج ۲، ص ۳۰۳ و غیره.

«ان السعيد كل السعيد من أحب علياً
في حياته وبعد مماته»

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

در مبحث گذشته، شخصیت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از زبان گهربار حضرت صدیقه کبری علیها السلام در خطبه موسوم به خطبه فدکیه را نگارش کردیم و شرح بسیار مختصری در ذیل آن بیان شد. در مبحث پیش رو به شخصیت و موقعیت امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، همراه با شرحی مختصر می پردازیم. ابتدا باید بیان داشت که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، بعد از شهادت و رحلت پدر گرامیشان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در مواضع مختلف فرمایشاتی داشتند. مهمترین آنها، دو خطبه مهم است که عبارتند از:

خطبه اول: در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و همانطور که بیان شد معروف به خطبه فدکیه است و دارای بالاترین مضامین توحیدی و بیان والایی از فلسفه احکام و همچنین وضعیت دینی مردم قبل و بعد از اسلام و همچنین احتجاج با خلیفه، بر سر حق پایمال شده اهل بیت مظلوم پیامبر صلی الله علیه و آله است.

خطبه دوم: با شدت یافتن مریضی حضرت زهرا علیها السلام، عده‌ای از زنان مدینه جهت عیادت از حال حضرت به منزل ایشان شرفیاب شدند، وجود مقدس حضرت صدیقه علیها السلام خطاب به آنان و در جواب ایشان که حال حضرت را جويا شدند، خطبه‌ای ایراد کردند که البته این خطبه در کتاب بلاغات النساء ابن طیفور از مصادر اولیه کتب اهل سنت، در مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی و الاحتجاج شیخ طبرسی ذکر شده است. البته بین کلمات این خطبه در این سه منبع اختلاف وجود دارد، لیکن آنچه در این نسخه‌ها مشترک است، ناراحتی و شکایت حضرت، از آنان، و عمل قبیحی بود که مردان آنان مرتکب شدند.

ماه در بستر

عده‌ای از زنان مدینه جهت عیادت، خدمت حضرت زهرا علیها السلام شرفیاب شدند و کنار بستر ایشان نشستند و عرض

کردند: ای دختر رسول خدا چگونه شب را به صبح رساندی؟
(کنایه از اینکه وضعیت شما در چه حال است؟)

خلاصه کلام و جمع بین کلام ایشان در سه کتاب فوق آن است که در جواب فرمودند: به خدا به صبح رساندم در حالی که دنیای شما را رها کرده‌ام و از مردان شما بیزارم؛ حزن و اندوه به سبب از دنیا رفتن پیامبر ﷺ و ظلم و ستم به وصی و جانشین ایشان، قلبم را فرا گرفته. حجاب علی را هتک کردند، همان که امامتش را غصب کردند، بر خلاف آنچه که خداوند در قرآن نازل کرده و پیامبر ﷺ در سنت بیان فرموده بود.

شرح این قسمت از خطبه

باید گفت که، تمام کلام حضرت، مؤیدی از آیات الهی و روایات معصومین علیهم‌السلام دارد که ما در هر قسمت از خطبه به آن اشاراتی می‌کنیم. ایشان فرمودند که حجاب علی را هتک نمودند، منظور ایشان از این کلام، قضایای حمله به منزل ایشان است. مؤید این کلام، روایتی از امام کاظم علیه‌السلام، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که خطاب به انصار فرمودند: (هر که حاضر است بشنود! درب فاطمه درب من است و منزل فاطمه منزل من است پس هر که (این خانه) را هتک کند سرا پرده خدا را هتک کرده است.) سپس امام علیه‌السلام بیان کلام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را رها کردند و به شدت گریه کردند و سه مرتبه فرمودند: حجاب خدا دریده شد. ای مادر، ای مادر، سلام خدا بر او باد^(۱). همچنین مراد ایشان از اینکه مردم برخلاف قرآن عمل کردند، آیات بسیاری است که در قرآن کریم در باب ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه‌السلام بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وجود دارند که از جمله این آیات عبارتند از:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ

۱. یا معاشر الأنصار: ألا اسمعوا ومن حضر، ألا إن باب فاطمة بابي، وبيتها بيتي، فمن هتكه فقد هتك حجاب الله. قال عيسى بن المستفاد: فبکی أبو الحسن علیه‌السلام طویلاً، وقطع عنه بقية الحديث، وأكثر البكاء، وقال: هتك والله حجاب الله، هتك والله حجاب الله، هتك والله حجاب الله، و حجاب الله حجاب فاطمة، یا أمه یا أمه صلوات الله علیها. الطرائف (سید بن طاووس): ص ۷ و بحار الأنوار: ج ۲۲، ص ۴۷۶.

اعلموا اني فاطمة

الصَّلَاةُ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ زَاكِعُونَ؛ وَلِيَّ شَمَا، تَنْهَا خَدَا وَ يِيَامِبِرِ
 اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا
 می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند^(۱). همچنین آیه
 شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
 فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛ اى پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت بسوی تو
 نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای﴾^(۲) که
 این آیه شریفه دلالت بر وجوب معرفی علی بن ابی طالب عليه السلام بر
 جانشینی، از طرف رسول خدا صلى الله عليه وآله دارد. و البته آیات دیگر.
 همچنین مراد ایشان از اینکه پیامبر صلى الله عليه وآله در سنت بیان فرموده،
 روایات بسیاری است که از وجود مقدس رسول اکرم صلى الله عليه وآله، در
 معرفی امیرالمؤمنین عليه السلام به عنوان جانشین خود، صادر شده
 است. از جمله این احادیث عبارتند از: حدیث منزلت^(۳)، حدیث
 غدیر^(۴)، حدیث «إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي [وَأَنَا مِنْهُ] وَهُوَ وَلِيُّ كُلِّ مَوْمِنٍ
 بَعْدِي»^(۵)، حدیث «هُوَ (عَلِيٌّ) خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي»^(۶) و ده‌ها
 حدیث دیگر در این باب. حضرت فاطمه زهرا عليها السلام در ادامه کلام
 شریف خویش، دلیل ظلم‌های بسیار به امیرالمؤمنین عليه السلام بعد از
 رحلت رسول خدا صلى الله عليه وآله را کینه‌هایی که از علی عليه السلام در جنگ بدر،
 همچنین انتقام و طلب خون‌هایی که در احد ریخته بود، دانستند
 و سپس فرمودند: منافقان، دشمنی علی عليه السلام را در دل‌هایشان
 پنهان داشتند و آنگاه که خلافت را گرفتند و به هدف رسیدند،

۱. سوره مائده: آیه ۵۵.

۲. همان: آیه ۶۷.

۳. أنت مني بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي. مسند احمد: ج ۱،
 ص ۱۷۰؛ صحیح بخاری: ج ۴، ص ۲۰۸؛ صحیح مسلم: ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن
 ابن ماجه: ج ۱، ص ۴۳ و ده‌ها مصدر دیگر از مصادر اهل سنت.

۴. من كنت مولاه فعلى مولاه (فهذا) على مولا... مسند احمد: ج ۱، ص ۸۴؛ سنن
 ابن ماجه: ج ۱، ص ۴۵؛ سنن الترمذی: ج ۵، ص ۲۹۷؛ المصنف (ابن ابی
 شيبه): ج ۷، ص ۴۹۷؛ صحیح ابن حبان: ج ۱۵، ص ۳۷۶ و ده‌ها منبع دیگر از
 منابع اهل سنت.

۵. مسند احمد: ج ۴، ص ۴۳۸؛ مناقب ابن المغازلی: ص ۱۸۶؛ سنن
 الترمذی: ج ۵، ص ۲۹۶؛ المستدرک (حاکم): ج ۳، ص ۱۱۱؛ صحیح ابن حبان:
 ج ۱۵، ص ۳۷۴ و ده‌ها منبع دیگر.

۶. تاریخ مدینه دمشق: ج ۴۲، ص ۴۲ و کفاية الطالب (گنجی شافعی):
 ص ۸۷.

یکباره ابر اهل شقاق بر ما (اهل بیت) باریدن گرفت و بلا بر ما فرو ریخت، بند کمان ایمان از سینه‌های آنان برید و آنچه دل‌هایشان می‌خواست به سبب غروری که داشتند، به ما آزار رساندند، اینها همه به جهت آن بود که علی، پدران آنان را در نبردهای سخت و در منازل شهامت کشته بود^(۱). در کلام دیگری ایشان فرمود: وای بر آنان (غاصبان) چگونه خلافت را از پایگاه استوار رسالت و پایه‌های محکم نبوت و فرودگاه امن وحی و انسان آگاه به امر دین و دنیا، منحرف کرده و دور ساختند. آگاه باشید که این، زیان و خسران آشکار است. به چه مناسبتی از ابوالحسن انتقام گرفتند؟! به خدا سوگند ناخشنودی از شمشیرش و سختی و استواریش، کیفر سرکوبیش و تنه‌ها، خداجویی و اخلاصش باعث شد که از او انتقام بگیرند.

شرح این قسمت از خطبه

اشاره ایشان به زیان و خسران، فکر و ذهن سلیم را به یاد این حدیث رسول خدا ﷺ سوق می‌دهد که فرمودند: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مِنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ مثل اهل بیت مانند کشتی نوح است هر که بر آن سوار شود نجات یابد و هر که از آن تخلف کند غرق گردد»^(۲) و چه ضرر و خسروانی بالاتر از اینکه، کشتی بزرگ و مجهزی در وسط دریا شناور باشد و شما در حال غرق شدن باشی و لیکن از سوار شدن در آن امتناع ورزی؟! ﴿قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ؛ بگو: زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند آری، این همان خسران آشکار است﴾^(۳). همچنین اشاره حضرت صدیقه علیها السلام، به اینکه یکی از عوامل غصب حق امیرالمؤمنین علیه السلام، سختی و استواری و کیفر سرکوبیش بود.

۱. مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۴۹ و العقد النضید: ص ۱۳۳.

۲. المعجم الكبير (طبرانی): ج ۳، ص ۴۵؛ الامثال فی الحدیث النبوی (ابن حبان): ج ۲، ص ۲۲۵؛ مسند الشهاب: ج ۲، ص ۲۷۳؛ المستدرک (حاکم): ج ۲، ص ۳۴۳ و دهها منبع دیگر از منابع اهل سنت.

۳. سوره زمر: آیه ۱۵.

اعلموا اني فاطمة

(سرکوب دشمنان خدا و رسولش)، یادآور این کلام رسول خدا ﷺ است که می‌فرماید: ای مردم از علی شکایت نکنید زیرا به خدا قسم او در راه خدا (با کسانی که از راه خدا و رسولش دورند) خشن است^(۱). همچنین در اشاره حضرت زهرا علیها السلام به خداجویی و اخلاص امیرالمؤمنین علیه السلام، این آیه به اذهان خطور می‌کند که می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾ گفت: پروردگارا، به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان خالص تو از میان آنان را^(۲) که مراد از مخلصین بر طبق کلام معصومین، امامان و در رأس آنان امیرالمؤمنین علیه السلام است^(۳).

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در ادامه فرمودند: به خدا قسم سوگند اگر مردم از معارضة امری که رسول خدا ﷺ آن را به علی سپرده بود دست بر می‌داشتند (کنایه از اینکه آن را غصب نمی‌کردند)، آن حضرت آن را کاملاً در دست می‌گرفت و به راحتی و آسانی آن را رهبری کرده به طوری که بر شتر خلافت نه جراحی در بینی (ناشی از مهار) ایجاد می‌شد و نه اضطراب و ناآرامی بر سوارکارش دست می‌داد. آنان را به سرچشمه‌های زلال، جوشان و وسیع می‌رساند، تشنگی را برطرف کرده در آب فرو رفته و شراره تشنگی و گرسنگی را خاموش می‌نمود.

شبهه و جواب آن

ممکن است در ذهن این سؤال شکل بگیرد که امیرالمؤمنین علیه السلام نه آن زمان، لیکن بعدها به خلافت رسید، چرا وعده حضرت زهرا علیها السلام به وقوع نپیوست؟ در جواب می‌گوییم در

۱. لا تشکوا علیاً فوالله أنه لاخسین فی ذات الله. تاریخ مدینه دمشق: ج ۴۲، ص ۲۰۰ والبدر المنیر (ابن ملقن): ج ۸، ص ۲۴۹.
 ۲. سوره حجر: آیه ۴۰.
 ۳. تفسیر جوامع الجامع (طبرسی): ج ۲، ص ۲۱۳ و تفسیر منهج الصادقین (ملا فتح الله کاشانی): ج ۷، ص ۳۶۵.

اعلموا اني فاطمة

مدت ۲۵ سال دوری امام علیه السلام از مسند حکومت، متأسفانه بی‌عدالتی و بدعت در دین، نهادینه شده بود حتی تا جایی که هرچه امام علیه السلام خواست یک بدعت یعنی نماز تراویح که بدعت خلیفه ثانی بود را از جامعه حذف کند، با مقاومت مردم روبرو شد^(۱). همچنین وجود منافقانی که در طول این مدت تا توانسته بودند به اسم حکومت اسلامی، با دین بازی کنند و آن را ملعبه دست خود کنند تا جایی که در ابتدای خلافت خلیفه سوم، ابوسفیان خطاب به بنی امیه گفت: این حکومت را مانند تویی بین خود نگاه دارید و به فرزندان خود به ارث رسانید^(۲). ایضاً کسانی که بیت المال را ملک طلق خود می‌دانستند و با آن پروار شده بودند، با به حکومت رسیدن امیرالمؤمنین علیه السلام، تمام موقعیت خود را در خطر دیدند و لذا سه جنگ بزرگ را بر ایشان تحمیل کردند. حال با این اوصاف چگونه می‌شد وعده حضرت زهرا علیه السلام با به حکومت رسیدن امام علیه السلام به وقوع بپیوندد؟! ایشان در ادامه، خطاب به زنان می‌فرماید: بیا بشنو وقتی که تا زنده باشی به شگفت خواهی آمد و روزگار با رویدادهای تازه‌اش بر شگفتی تو خواهد افزود. [که] به چه دلیل و مستندی تکیه کرده و به کدام ریسمانی چنگ زده که شهپر را با پره‌های نازک و بی‌خاصیت تعویض کرده، پیشگامان و فرزنانگان را کنار گذاشته و فرومایگان را بر سر کار آوردند. این کلام حضرت، تفسیر آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ التُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ؛ و کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها به در می‌برند﴾^(۳) است. حضرت زهرا علیه السلام در ادامه، مردم را به واسطه این عملشان به نتایج بد و غیر قابل جبران وعده دادند و فرمودند: سوگند به خدا که شتر این فتنه آبستن شده و به این زودی خواهد زایید و شما قدح خونین و سم مهلک

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی: ص ۲۴۵.

۲. مروج الذهب (مسعودی): ج ۱، ص ۳۱۰ و بحار الأنوار: ج ۳۱، ص ۱۹۷.

۳. سوره بقره: آیه ۲۵۷.

اعلموا اني فاطمة

از آن خواهید دوشید و در آن هنگام یاوه سرایان و تبهکاران زیان خواهند دید و آیندگان پیامد سنت‌های گذشتگان را خواهند دید^(۱). ایشان با این کلام، این نکته را به مردم گوشزد کردند که اگر بعدها در اجتماع و زندگی خود با مشکلات عدیده مواجه شدند جز خود کسی را ملامت نکنند.

کلام حضرت، یادآور این آیه شریفه است که می‌فرماید:
﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾؛ به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است^(۲). با مرور کوتاهی در کلام حضرت زهرا^(ع) می‌توان به این نکته رسید که ایشان ریشه تمام مشکلات انسان‌ها در آینده را دوری از دامان امیرالمؤمنین^(ع) و ریشه تمام خوبی‌ها را در دوستداری و چنگ زدن به ولایت علی^(ع) می‌دانستند، همانطور که ایشان حدیثی از رسول خدا^(ص) نقل می‌کنند که فرمودند: «ان السعيد كل السعيد من احب علياً في حياته و بعد مماته؛ خوشبخت واقعی کسی است که علی را در زمان حیات و و سپس مرگش دوست داشته باشد»^(۳). خداوند متعال توفیق محبت علی و فاطمه^(ع) و فرزندان پاک و معصومشان^(ع) را به ما عطا کند و ما را در زمره شیعیان آنان قرار دهد. ان شاء الله.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. بلاغات النساء (ابن طیفور): ص ۲۹؛ الاحتجاج (طبرسی): ج ۱، ص ۱۴۷ و مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۲۳۴.
۲. سوره روم: آیه ۴۱.
۳. المعجم الكبير (طبرانی): ج ۲۲، ص ۴۱۵؛ بشارة المصطفى: ص ۲۳۷؛ رياض النضرة: ج ۳، ص ۱۹۱ و ذخائر العقبی: ص ۹۲.